

قرآن و حدیث در تصویر

مجله اینترنتی آوای بوف



به کوشش عبدالله عزیز

برگردان دکتر مسعود انصاری



با توجه به اینکه بسیاری از غربی ها اسلام را پذیرش کرده اند، بایسته است که آنها تمام آموزش های اسلامی را نیز بدانند و بپذیرند. برای اینکار، تمام مسلمانان باید به آنچه که در قرآن و حدیث آمده، ایمان بیاورند و آنها را مورد عمل قرار دهند. مسلمانان باید بدانند که نادیده گرفتن هر یک از اصول، احکام و آموزش های اسلامی، برگشتگی از دین بشمار می رود و مجازات چنین گناهی بسیار شدید و مرگ (۱) است. باشد که تمام مسلمانان آنچه را که بعنوان وحی در قرآن آمده است، بخوانند و به آن عمل کنند.

عبدالله عزیز

واژه مرگ از مترجم است. (نگاه کنید به آیه های ۶۱ و ۶۲ سوره احزاب، حدیث های ۴۱۲، ۴۱۳ و ۴۱۴، صحیح مسلم، و حدیث شماره ۲۷۱، صحیح البخاری، در جلد نهم، صفحه ۲۰۱).

بازنمود،

تمام ترجمه های آیه های قرآن که در این نشریه آمده، از قرآن مهدی المی قمشه ای که بوسیله حکومت جمهوری اسلامی مورد تصویب قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده، برداشت شده است.

قرآن و حدیث در تصویر

هنگام نماز خواندن به سمت بالا نگاه نکنید.



... و جبرئیل فرشته، سینه محمد را با یک خنجر پاره کرد.



انگاه، جبرئیل محتویات یک سینی طلائی را که پر از عقل و ایمان بود، در سینه محمد پیامبر الله ریخت.



و جبرئیل فرشته، امعاء و احشاء محمد را در ظرفی که محتوی آب زمزم بود، شستشو داد.



حدیث

صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۳۵۴: ابوذر روایت کرد که محمد پیامبر الله، اظهار داشت، «هنگامی که من در مکه بودم، سقف اتاق خانه‌ام برداشته شد و جبرئیل در اتاق فرود آمد و سینه مرا پاره کرد و آنرا با آب زمزم شستشو داد. سپس، محتویات یک سینی طلائی را که پر از عقل و ایمان بود، در سینه من ریخت و پارگی آنرا بست.

پایان

سپاس و ستایش

با یسته است از دوست فروهنده‌ام، جناب آقای مهندس مهیار ایرانی که با مهر و کوششی سخاوتمندانه و نیردانش گسترده و هنر فرجودگر خود، امکان تولید این نشریه را فراهم فرمودند، از ژرفای دل سپاسی که هوده‌رسان مهر و کوشش ایشان نخواهد بود، به‌پیشگاه والایشان فراداشت کنم.

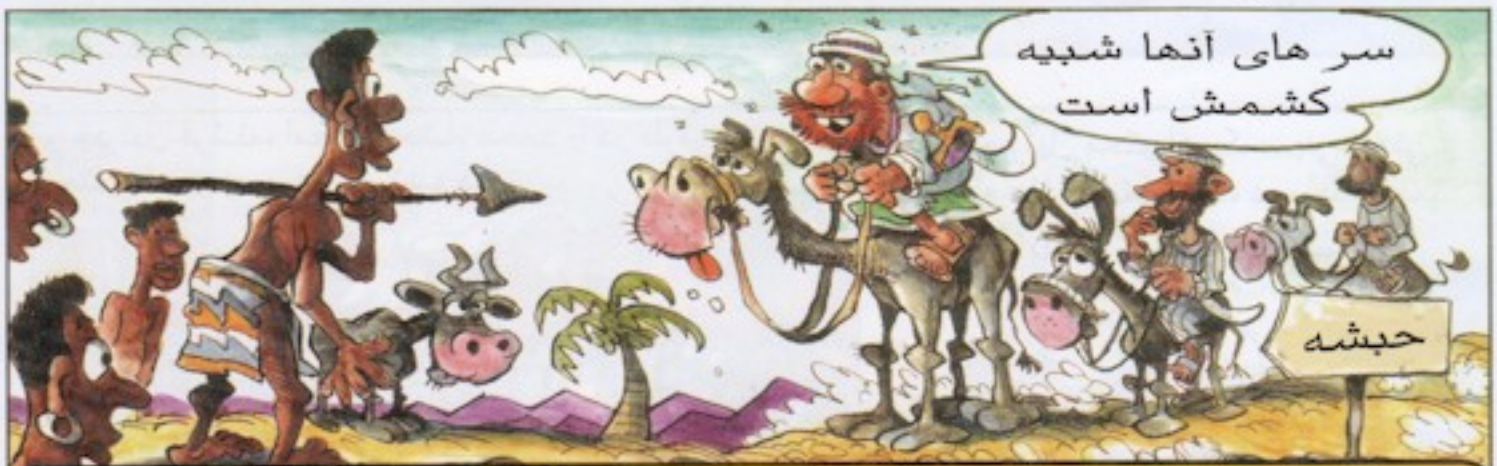
دکتر مسعود انصاری

حدیث

صحیح البخاری، جلد پنجم، شماره ۲۳۴: عایشه روایت کرده است، «هنگامی که ۶ ساله بودم، محمد پیامبر الله مرا نامزد کرد ... در آن زمان من با کودکان همبازی ام، بازی چرخش می کردیم ... یک روز بعد از ظهر، پیامبر الله به گونه ناگهانی به خانه ما آمد و مادر مرا به او تحویل داد. من ۹ سال بیشتر نداشتم.»

صحیح البخاری، جلد پنجم، شماره ۲۳۶: محمد پیامبر ... هنگامی که عایشه ۶ ساله بود با او زناشویی کرد و زمانی که عروس به ۹ سالگی رسید، او را به حجله برد.

پیامبر الله و حبشی ها



حدیث

صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۶۶۲: انس بن مالک روایت کرده است که محمد پیامبر الله گفت، «یک فرد حبشی که سر او شبیه یک دانه کشمش می باشد.» (به حدیث جلد نهم، شماره ۲۵۶ نیز نگاه کنید.)

جبرئیل فرشته، سینه محمد را پاره کرد



ران پیامبر الله لخت بود



حدیث

صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۳۶۷: عبدالعزیز از قول انس بن مالک روایت کرده که، هنگامی که محمد پیامبر الله به خبیر حمله کرد، ما پیش از طلوع خورشید درخواست کردیم، نماز بامداد را برگزار کنیم. محمد و ابو طلحه سوار شتر شدند و من هم پشت سر ابو طلحه برای برگزاری نماز به راه افتادیم. هنگامی که از کنار دیوارهای خبیر می گذشتیم، زانوی من با ران محمد پیامبر الله، برخورد کرد. در این زمان شال کمر پیامبر الله بالا رفته بود و ران او لخت بود.

موهای سر محمد پیامبر الله، چه رنگی داشت؟

حدیث

صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۱۶۷: بدون تردید، محمد پیامبر الله، موهایش را با حنا به رنگ قرمز درمی آورد و از اینرو، من نیز میل دارم، موهایم را با حنا رنگ کنم.

به حدیث های جلد چهارم، شماره ۷۴۷، جلد هفتم شماره ۷۸۵ نیز نگاه کنید.



عروس کودک سال

... و هنگامی که عایشه ۹ ساله شد محمد با او زناشوئی کرد.



زمانی که عایشه ۶ ساله بود، محمد او را نامزد خودش کرد



درمان بخشی برگهای نخل (درخت خرما)

حدیث

صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۴۴۳:

هنگام گذر کردن از گورستان، محمد به گور دو نفر رسید که قرشته‌های عذاب آنها را در آن گور شکنجه می‌کردند... محمد یک برگ سبز درخت خرما را برداشت و آنرا به دو تکه بخش کرد و هر یک را روی گور هر یک از آن دو قرار داد و اظهار داشت، «امیدوارم تا زمانی که این دو تکه برگ نخل خشک می‌شوند؛ از عذاب این دو فرد کاسته شود».



پوست بدن محمد چه رنگی داشت؟

او مردی سفیدپوست بود.



سفیدی زیر بغل‌های او هویدا شد!



حدیث

صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۶۳: زمانی ما با محمد در مسجد نشسته بودیم، مرد شترسواری وارد مسجد شد و شترش را وادار کرد، زانو و افسار آنرا بست و سپس اظهار داشت، «کدامیک از شما محمد است؟» در آن زمان محمد بین ما نشسته و به بازوانش تکیه داده بود. ما گفتیم، «آن مرد سفیدپوستی که به بازوانش تکیه داده است».

صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۱۲۲: محمد مردی سفیدپوست بوده است.

صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۱۴۱: انس بن مالک روایت کرده است که محمد پیامبر الله هیچگاه دستهایش را هنگام دعا کردن بلند نمی‌کرد، مگر برای استسقا، (دعا برای رفع بی‌آبی). در این زمان نیز دستهایش را تا آن اندازه بالا می‌برد که سفیدی زیر بغل‌هایش دیده می‌شد.

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۴۴: اسماعیل بن ابی خالد از قول ابو جحیفه روایت کرده است که او گفت، «من محمد پیامبر الله را دیده‌ام و حسن بن علی بسیار به او شباهت داشت، من از ابو جحیفه خواستم، مشخصات محمد پیامبر الله را بیان کند. او گفت، «محمد سفیدپوست و ریش‌هایش جوگندمی بودند. او قول داده بود، ۱۳ شتر ماده به ما دهش کند، ولی پیش از وفای به عهد درگذشت».

آتش دوزخ برای زنها ادامه مطلب

حدیث

صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۲۹: محمد پیامبر الله گفت، «من آتش دوزخ را به چشم دیدم. بیشتر افرادی که در دوزخ در آتش می سوختند، زنهایی ناسپاس و خودسر بودند.»

صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۳۰۱: پیامبر الله گفت، «ای زنان! شما باید صدقه بدهید، زیرا من به چشم دیدم که بیشتر ساکنان دوزخ از شما زنها بودند... من هیچ فردی را ندیده ام که از شما بیهوش تر و بدون مذهب تر باشد.»

صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۱۶۱: «من آتش سرکش و استخوان سوز دوزخ را به چشم دیدم و بیشتر ساکنان دوزخ زنها بودند.»

محمد از آمرزش خود اطمینان نداشت

محمد، نمی دانست که الله در روز قیامت با او چه خواهد کرد.



حدیث

صحیح البخاری، جلد پنجم، شماره ۲۶۶: پیامبر الله گفت، «به الله سوگند، اگر چه من پیامبر الله هستم، با این وجود نمی دانم، در روز قیامت الله با من چه خواهد کرد.»

محمد، پیامبر الله از چه چیزهایی می ترسید؟

هنگامی که ماه و یا خورشید می گرفت، محمد به وحشت می افتاد.



حدیث

صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۱۶۷:

زمانی خورشید گرفت و محمد از ترس از جای خود پرید، زیرا فکر کرد، روز قیامت فرا رسیده است.

حدیث

صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۸۱۲:

پیامبر الله گفته است، «هر کسی که سیر و پیاز خام و غیر پخته شده بخورد، نباید نزدیک مسجد بیاید، همچنین، به حدیث های شماره ۸۱۳ تا ۸۱۵ نگاه کنید.

صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۳۶۲:

عبدالعزیز روایت کرده است که از انس بن مالک پرسش شده است، «از پیامبر الله درباره سیر چه شنیدی؟» انس بن مالک پاسخ داده است، «هر کسی سیر بخورد نباید نزدیک مسجد بیاید.»

صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۳۶۳:

جابر بن عبدالله از محمد پیامبر الله روایت کرده است که او گفت، «هر کسی سیر و یا پیاز خورده باشد، نباید نزدیک ما بیاید.»

اگر پیش از نماز خواندن، دهان شما بوی بد بدهد، الله به شما گوش نخواهد داد.



اگر شما سیر و پیاز بخورید ...



احساس دهان دره از دوزخ سرچشمه می گیرد

حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم،

شماره ۵۰۹:

ابوهریره از قول محمد روایت کرده است که او گفت، «دهان دره کار شیطان است.»

بر پایه گفته محمد، «دهان دره کار شیطان است.»



آتش دوزخ برای زنها

محمد گفته است، «بیشتر فضای دوزخ را زنها پر می کنند.»



چکش آهنین ادامه مطلب

صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۴۲۲: انس بن مالک روایت کرده است که پیامبر الله گفت: «هنگامی که فرد مرده‌ای را در گور می‌گذارند، دو فرشته نزد او می‌آیند و به او فرمان می‌دهند بنشینند و از او پرسش می‌کنند، «تو درباره محمد چه عقیده‌ای داری؟» مرده پاسخ می‌دهد، «گواهی می‌دهم که او بنده و رسول الله است.» آنگاه، فرشته‌ها به او می‌گویند، «به آتش دوزخ نگاه کن. الله به جای آن آتش دوزخ، به تو موهبت بهشت را ارزانی داشته است.» ولی یک فرد نامسلمان و یا منافق به فرشته‌ها می‌گوید، «من به هر چه که دیگران می‌گفتند، باور داشتم!» فرشته‌ها به او می‌گویند، «چرا تو از آنهایی که به حقایق آگاهی داشتند و یا با خواندن قرآن، راهنمایی نگرفتی؟» آنگاه فرشته‌ها با یک چکش آهنین به میان دو گوش او می‌کوبند و او آنچنان فریاد سر می‌دهد که بغیر از افراد بشر و جن‌ها، همه موجودات جهان، آنرا می‌شنوند.

حدیث ۲۲۱۴ جلد اول از ابو داود، «او نیز از یک مرده بدون ایمان سخن به میان آورد و گفت، «پس از مرگ روان مرده وارد بدنش خواهد شد و دو فرشته نزد او می‌آیند و به او دستور می‌دهند، بنشینند و از وی پرسش می‌کنند، خدای او کیست؟ مرده پاسخ می‌دهد، افسوس، افسوس که نمی‌داند خدایش کیست. فرشته‌ها پرسش می‌کنند، دین او چیست؟ پاسخ می‌دهد، افسوس، افسوس که نمی‌داند، فرشته‌ها از او پرسش می‌کنند، چه کسی از میان شما به پیامبری الله برایتان فرستاده شد؟ پاسخ می‌دهد، افسوس، افسوس که نمی‌داند. آنگاه از بهشت فریادی به گوش می‌رسد که این فرد دروغ‌گوست، در دوزخ را به رویش باز کنید و او را در آتش سرتگون نمایند. سپس، باد سوزانی از آتش دوزخ به سوی او خواهد آمد و گورش به گونه‌ای تنگ خواهد کرد که استخوانهایش در هم شکسته می‌شوند.» جابر افزوده است، «آنگاه، فرشته‌ای که کر و کور است با یک پتک آهنین مامور عذاب او خواهد شد و آنچنان پتک آهنین را به میان دو گوش آن مرده خواهد کوبید که اگر آن ضربه به کوه وارد شود، آنرا تبدیل به گرد و خاک خواهد کرد. در این زمان فریاد آن مرده را همه جهانیان در شرق و غرب عالم، بغیر از افراد بشر و جن‌ها خواهند شنید.»

فرشته‌ای که ۶۰۰ بال دارد.

بر پایه گفته محمد، فرشته جبرئیل، دارای ۶۰۰ بال است.



حدیث

صحیح البخاری، جلد ششم، شماره ۳۸۰:

محمد پیامبر الله گفته است، «جبرئیل

فرشته الله، دارای ۶۰۰ بال است و

من آنرا به چشم دیده‌ام.»

خطر خواب رفتن در بین برگزاری نماز

شیطان در گوشه‌های کسی که در هنگام نماز خواندن به خواب رود، ادرار می‌کند.



حدیث

صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۲۴۵: اگر کسی در هنگام برگزاری نماز به خواب رود، شیطان در گوشه‌هایش ادرار خواهد کرد. عبدالله نیز روایت کرده است که محمد پیامبر الله اظهار داشت، «شیطان در گوشه‌های کسی که در هنگام نماز خواندن به خواب رود، ادرار می‌کند.»

زمانی بود که مسلمانان با نبود آب رویو شده بودند.



حدیث

آنقدر از انگشتان محمد آب سرازیر شد که مردم هر اندازه که میل داشتند از آن آب آشامیدند.



حدیث

صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۱۷۰

محمد دستش را در آن کوزه فرو برد و به مردم فرمان داد از آب آن کوزه وضو بگیرند.

من به چشم دیدم که از

انگشتان او آب فوران کرد.

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۷۳: من قطرات آب را می دیدم که از زیر انگشتان او شروع به فوران کرد. صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۷۶: و چون دست خود را در آن کوزه فرو برد، آب، مانند چشمه از زیر انگشتان وی فوران کرد.

غذایی که فریاد می زد

حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۷۹: ما بدون تردید مشاهده کردیم، هنگامی که محمد غذا در دهان می گذاشت، آن غذا الله را ستایش می کرد.



هنگامی که محمد غذا می خورد، آن غذا به ستایش الله لب می کشود.



چکش الله

صحیح البخاری و صحیح مسلم، نوشته اند، ابو قتاده روایت کرده است که انس بن مالک گفت، محمد پیامبر الله اظهار داشت، یک فرد مرده، هر دو مکان خود را خواهد دید. یک فرد نا مسلمان و یا منافق در برابر پرسش فرشته ها پاسخ خواهد داد، آنچه که من می دانم اینست که منهم همان مطالبی را که سایر افراد بشر می گفتند، بر زبان می آوردم. به او گفته خواهد شد، چپس چرا از آنهایی که علم و آگاهی داشتند، راهنمایی نخواستی؟ آنگاه، فرشته ها با یک چکش آهنین بین دو گوشه اش خواهند کوفت و او شروع به فریاد زدن خواهد کرد. فریادهای او را همه موجودات عالم بغیر از افراد بشر و جن ها خواهند شنید.



محمد به پیروانش فرمان داد که ادرار شتر بپاشند.



حدیث

صحیح البخاری، جلد اول،

شماره ۲۳۴:

محمد به آنها دستور داد، به محل وجود شترها بروند و شیر و ادرار آنها را بنوشند.

درختی که گریه سر داد.

درخت آنقدر گریه کرد تا اینکه محمد منبر را ترک کرد و به نوازش آن درخت پرداخت.



زمانی که محمد به جای وعظ در زیر یک درخت خرما روی منبر رفت، آن درخت مانند یک کودک شیرخوار به گریه افتاد.



حدیث

صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۴۱: جبیر بن عبدالله روایت کرده است: محمد عادت داشت پیش از استفاده از منبر، زیر شاخه‌ای از درخت خرما بایستد و موعظه کند. زمانی که برای او منبری ایجاد کردند، آن درخت مانند یک شتر ماده آبستن آنقدر گریه کرد تا اینکه پیامبر الله از منبر پالین آمد و دستش را روی آن نخل خرما قرار داد.

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۸۳: ابن عمر روایت کرده است: محمد پیامبر عادت داشت که در کنار یک درخت خرما بایستد و برای پیروانش وعظ کند. هنگامی که برای او منبری ساخته شد، او به جای ایستادن در کنار نخل خرما، بالای منبر می‌رفت و موعظه می‌کرد. این موضوع سبب شد که درخت خرما گریه سر دهد تا اینکه محمد نزد آن درخت رفت و با نوازش آن، درخت از گریه کردن باز ایستاد.

محمد پیامبر، گاهی اوقات سحر و افسون می‌شد و مطالبی بر زبان می‌آورد که از درستی دور بود.



حدیث

صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۶۵۸: عایشه روایت کرده است که: مردی به نام لبید بن الاعصم از طایفه بنی زریق، محمد را سحر می‌کرد و او را وادار می‌نمود تصور کند کاری انجام داده که در واقع آن کار از او سر نزده بود.

صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۶۶۰: عایشه روایت کرده است که محمد پیامبر الله، گاهی اوقات سحر و افسون می‌شد و فکر می‌کرد با همسرانش همخوابگی کرده، در حالیکه در واقع به‌چنین عملی دست نزده بود ... «او در چنین زمانی زیر اثر سحر و افسون قرار می‌گرفت».

صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۶۶۱: عایشه روایت کرده است، محمد پیامبر را چنان سحر و افسون می‌کردند که او فکر می‌کرد، عملیاتی انجام داده که هیچگاه به آن کارها دست نزده بود.

موهای سر محمد، پیامبر الله، شیش داشت.



حدیث

صحیح البخاری، جلد نهم، شماره ۱۳۰: روزی محمد به‌دیدار بانوئی به نام امه حرم بنت ملحان که همسر عباد بن الصامت بود، رفت. آن بانو برای محمد غذا آورد و شپشهای موهای محمد را از او دور کرد.

حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۳۷: ابو هریره روایت کرده است که محمد گفت، «اگر یک مگس خانگی در آب آشامیدنی بیفتد، باید آنرا در آب خیس کرد؛ زیرا یک بال آن سبب ایجاد بیماری و بال دیگرش موجب شفای بیماری خواهد شد.

صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۶۳۷: ابو هریره روایت کرده است که پیامبر اسلام گفت، «هرگاه مگسی در ظرف آب شما بیفتد، آنرا در آب خیس کنید، سپس آنرا بپیرید و دور بیندازید، زیرا یک بال آن بیماری آور و بال دیگرش سبب شفای آن بیماری خواهد شد.»

اگر در آبی که می‌خواهید بپاشامید مگس افتاده است، نگران مباشید و آبرو بپاشامید، بال دیگر آن دارای ماده‌ای است که آن بیماری را شفا می‌بخشد.



حدیث

صحیح البخاری، جلد ششم، شماره ۵۵۸: عایشه روایت کرده است که از پیامبر الله شنید که فردی در شب قرآن می‌خواند؛ پیامبر گفت، «الله به این فرد بخشایش دهش فرماید که با خواندن قرآن، آیه‌هایی را که من فراموش کرده بودم، به یادم آورد.»

صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۵۶۲: عایشه روایت کرده است که از پیامبر الله شنید که فردی شبی در مسجد قرآن می‌خواند، پیامبر گفت، «الله به این فرد برکت دهد که آیه‌هایی را که من فراموش بودم، به یادم آورد.»

گاهی اوقات حتی محمد نیز بخشهایی از قرآن را فراموش می‌کرد.



غروب خورشید

خورشید در هنگام غروب، در چشمه آب تیره‌ای فرو می‌رود و به همین دلیل از آن پس تاریکی به وجود می‌آید.



هنگامی که خورشید از افق ناپدید می‌شود، به کجا می‌رود؟



قرآن

آیه ۸۶ سوره کهف: هنگامی که ذوالقرنین با غروب روبرو شد، فهمید که خورشید در چشمه آب تیره‌ای فرو رفته است.



حدیث

صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۵۱۱۳، فصل ۸۶۲: یک مسلمان با یک روده، ولی یک فرد غیر مسلمان با هفت روده غذا می خورد. ابن عمر روایت کرده است که پیامبر الله اظہار داشت، فرد غیر مسلمان با هفت روده، ولی مسلمان مؤمن با یک روده غذا می خورد.

به حدیث های شماره ۵۱۱۴ تا ۱۱۱۲۰ نیز نگاه کنید.

هنگام نماز خواندن به سمت بالا نگاه نکنید.



اگر هنگام نماز خواندن سر خود را به سوی آسمان بلند کنید، تخم چشمهایتان از حدقه هایتان بیرون خواهند پرید.



حدیث

صحیح مسلم، جلد اول، شماره ۸۶۳، فصل ۱۷۳: نگاه کردن به سوی آسمان در هنگام نماز خواندن ممنوع است. ابو هریره روایت کرده است که پیامبر الله گفته است، «مردم باید در هنگام دعا کردن و نماز خواندن از نگاه کردن به سوی آسمان خودداری کنند وگرنه حدقه های چشمهای آنها بیرون خواهد پرید.»

.... پیش از برگزاری نماز با شستشوی بینی،
شیطان را از سوراخ آن خارج کنید.

اینچنین باید آب را به بینی کشید
تا شیطان از آن خارج شود.

آقای عبدالله
لوده



حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۱۶: «شیطان تمام مدت شب را در
در بخش بالایی سوراخ بینی پیاده می‌کند»

زیر نویس شماره (۱) ما باید باور داشته باشیم که شیطان در بخش
بالایی بینی افراد مردم لانه می‌کند، ولی نمی‌دانیم این کار را چگونه
انجام می‌دهد، زیرا آگاهی به این عمل وابسته به دنیای اسرار و رموز
است که ما از آن چیزی نمی‌دانیم، مگر اینکه پیامبر الله از آن به ما
آگاهی دهد.

صحیح مسلم، جلد اول، شماره ۴۶۲: ابو هریره روایت کرده است که
پیامبر الله گفت، «زمانی که هر یک از شما از خواب بیدار می‌شود و وضو
می‌گیرد، باید سه مرتبه در بینی خود آب فروکشید؛ زیرا در هنگام شب
شیطان در بخش داخلی سوراخ بینی شما پیاده شده است».

کسی که شطرنج بازی کند، مانند آنست که
دست در گوشت و خون خوک کرده باشد.



بازی شطرنج ممنوع است.

محمد بازی شطرنج را حرام و ممنوع اعلام نمود.



حدیث

صحیح مسلم، جلد چهارم،
شماره ۵۶۱۲، فصل ۹۶۶:

پیامبر الله گفت، «بازی شطرنج
ممنوع است، زیرا هر کس به این
بازی دست بزند، مانند آنست که
در گوشت و خون خوک دست
فرو کرده باشد».

ورود سگ و گربه ممنوع است ادامه مطلب

صحیح مسلم، جلد اول، شماره ۵۵۲: حدیث دیگری شبیه به حدیث‌های بالا وجود دارد که بوسیله شعب روایت شده، ولی متن آن با حدیث روایت شده بوسیله یحیی تفاوت دارد. بدین شرح که در حدیث یحیی محمد سگهای نگهبان گله، سگهای شکاری و سگهایی را که از کشتزارها نگهداری می‌کنند، از کشتن معاف کرده، ولی حدیث روایت شده بوسیله شعب تنها مورد سوم این استثناء را ذکر کرده و سگهای نگهبان کشتزارها را از کشتن معاف نموده است.

زیرنویس شماره ۴۸۶: اسلام سگ را جانوری نجس به‌شمار می‌آورد و خوردن گوشت آن و نگهداری آنرا در خانه‌ها برای مسلمانان ممنوع می‌داند. با این وجود، نگهداری سگ برای شکار، گله‌داری و پاسبانی مجاز است.

فصل ۴۴۸

بهاگزاری روی سگ و فروش گربه ممنوع است.

صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۰۳: ابو مسعود الانصاری روایت کرده است که پیامبر الله، بهاگزاری روی سگ را ممنوع برشمرده است.
صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۰۶: خاجی روایت کرده است که پیامبر الله گفته است، «بهاگزاری روی سگ یک عمل نارواست»
صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۰۸: ابوزبیر گفته است، «من از جابر در باره بهای سگ و گربه پرسش کردم، پاسخ داد، پیامبر الله، این کار ممنوع برشمرده است»

صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۰۹: ابن عمر روایت کرده است که پیامبر الله فرمان داده است که باید همه سگها را کشت.
صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۱۰: ابن عمر روایت کرده است که پیامبر الله فرمان داد، سگها را بکشیم و مردانی را به‌گوشه و کنار مدینه فرستاد تا سگها را نابود کنند.

صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۱۳: ابو زبیر شنیده است که جابر بن عبدالله گفته است، «پیامبر الله به‌ما دستور داد سگها را بکشیم و ما تا آنجا دستور او را به‌مورد اجرا گذاشتیم که سگ زنی را هم که آن زن با خود از بیابان به‌شهر آورده بود، کشتیم» محمد گفت، «وظیفه شماست، سگی را که دارای دو خال سیاه است، بکشید، زیرا او دیوی است که در کالبد سگ فرو رفته است»

(به‌جلد سوم صحیح مسلم، حدیث‌های شماره ۳۸۱۴ تا ۳۸۲۹ نیز نگاه کنید.)

شیطان شبها در سوراخ بینی افراد مردم لانه می‌کند.

.... شیطان در بخش بالائی سوراخ بینی شبها لانه می‌کند.



محمد باور داشت که شیطان در سوراخ بینی افراد مردم می‌خوابد.



الله فرمان داد که آن مرد برای یکصد سال بمیرد.
سپس الله، او و الاغ و متعلقاتش را به همان
شکلی که در روز مرگ داشتند، برگردانید.



حضرت آدم قدش ۳۰ متر بود!



محمد به پیروانش اظهار داشته است که قد آدم در زمان
آفرینش ۲۰ متر و برابر با یک ساختمان سه طبقه بوده است.

حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم شماره ۵۴۳

ابو هریره روایت کرده است که پیامبر الله گفت،
«هنگامی که الله حضرت آدم را آفرید، قد او ۳۰ متر بود.»

ورود سگ و گربه ممنوع است.

حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۳۹:

ابو طلحه روایت کرد که پیامبر الله گفت، «فرشته‌ها وارد خانه‌ای که در آن سگ و یا
تصویر باشد، نخواهند شد.»

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۴۰:

عبدالله بن عمر روایت کرده است که محمد پیامبر الله، فرمان داد که «تمام سگها
باید کشته شوند.»

صحیح مسلم، جلد اول، شماره ۵۵۱:

ابن مقفل روایت کرد، محمد پیامبر الله فرمان داد، سگها را بکشند و سپس افزود که
سگهای شکاری و گله را می‌توان از این قاعده مستثنی نمود و باز فرمان داد:
«هنگامی که سگی به ظرفی لب می‌زند، باید آنرا هفت مرتبه شست و هشت
مرتبه خاک‌مالی کرد.»

اگر در خانه‌ای سگ وجود داشته باشد، هیچ فرشته‌ای
وارد آن خانه نخواهد شد. گربه حیوان دست‌آموز نیست.
گربه‌ها برای فروش نیستند.



سرانجام آنها از خواب بیدار شدند و در همان سن جوانی که وارد غار شده بودند، آنرا ترک کردند.



آنها بین ۳۰۰ تا ۳۰۹ سال در غار به خواب رفتند.



قرآن

آیه‌های ۹ تا ۲۵ سوره کهف: آیا می‌دانی که رویداد یاران غار و سنگی که در آستانه در غار وجود داشت، از آیات شگفت‌انگیز ما هستند؟ آنگاه که جوانان کهف وارد غار شدند، گفتند: «ای الله، تو در حق ما مهر و محبت کن و ما را به راه راست هدایت فرما». ما سالهای متمادی بر روی گوشه‌هایشان پرده بیهوشی کشیدیم. سپس، برای اینکه دریابیم، کدامیک از آن دوگروه جوانان، مدتی را که در خواب بوده‌اند، بهتر حدس می‌زنند، آنها را بیدار کردیم. ما داستان آنها را به درستی برای تو حکایت می‌کنیم آنها مدت ۳۰۹ سال در آن غار در خواب بودند.

مردی که برای یکصد سال مرده بود.

چگونه الله می‌تواند این شهر ویران شده را دوباره آباد و زنده کند.



آیه ۲۵۹ سوره بقره: یا به مانند آنکس که از دهکده‌ای گذر کرد که خراب و ویران شده بود. او گفت: «در شگفتم که الله چگونه این مردگان را زنده خواهد کرد؟» بدینجهت، الله جان او را گرفت و مدت یکصد سال او را در حالت مردگی نگهداشت. سپس، او را زنده کرد و به او گفت: «چه مدت زمانی تو مرده بودی؟» پاسخ داد، «یک روز و یا بخشی از یک روز». الله گفت: «خیر، اینگونه نیست، تو مدت یکصد سال مرده بودی! اکنون به خوراک و آشامیدنی خود نظر افکن که هیچ تغییری در آنها رخ نداده و به‌الافت نگاه کن! ما ترا برای مردم حجت و دلیل قرار دادیم. همچنین به استخوانهای خود نگاه کن که ما چگونه آنها را به هم پیوسته و گوشت بر روی آنها پوشانیدیم.»

الله نیز زلزله ای فرستاد و مردم ثمود را نابود کرد.



قرآن

آیه ۷۳ سوره اعراف: و به قوم ثمود گفتیم، این شتر ماده نشانی از سوی الله است، بگذارید او در زمین الله چرا کند و به او آزاری نرسانید، زیرا در غیر اینصورت به عذابی سخت گرفتار خواهید شد.

آیه ۷۷ سوره اعراف: ولی قوم ثمود از فرمان الله سر باز زدند و زاتوهای شتر الله را بی کردند... انگاه زلزله ای بر آنها وارد آمد و همه آنها را در هنگام پامداد در خانه هایشان نابود کرد.

آیه ۲۳ سوره القمر: قوم ثمود آیه های الله را تکذیب کردند و نادیده گرفتند.

آیه ۲۷ سوره القمر: ما این شتر ماده را برای آزمایش آنها فرستاده بودیم.

آیه ۲۱ سوره القمر: آن قوم رهبر خود را خواندند و او با شمشیر زاتوهای آن شتر ماده را پی کرد.

آیه های ۳۰ و ۳۱ سوره القمر: پس بنگرید که عذاب و مجازات ما چگونه سخت بود. ما برای هلاک آنها یک گردباد عظیم فرستادیم و همه به شکل گیاه خشکی که به چارپایان می دهند، درآمدند.

آیه ۱۱ سوره شمس: پیامبر خدا (صالح) به آنها گفت، این شتر ماده الله است! از سیراب کردن آن خودداری نکنید. بنابر این، الله نیز به سبب گناهی که قوم ثمود در کشتن شتر ماده او مرتکب شدند، آنها را هلاک کرد و شهرشان را با خاک پکسان نمود.

قهرمانان غار

آن مردان و سگشان به خواب رفتند.



قرآن می گوید، چندین نفر مرد جوان با سگشان وارد غار شدند.



مهر پیامبری ...

قرآن

آیه ۴۰ سوره احزاب: محمد پدر هیچک از مردان شما نیست، بلکه او رسول الله بوده و مهر و نشان پیامبری بر او موجود است.

حدیث

صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۱۸۹ و ۷۴۱:

الصائب یزید روایت کرده است، «من پشت سر پیامبر الله ایستاده بودم و مهر پیامبری را بین شانه‌های او دیدم و آن به اندازه میخ یک خیمه کوچک و یا تخم یک کبک بود.»

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۴۱:

الصائب بن یزید گفته است، «من پشت سر پیامبر الله ایستاده بودم و نشان پیامبری را بین شانه‌های او مشاهده کردم.»

صحیح مسلم، جلد چهارم، شماره‌های ۵۷۹۳ - ۵۷۹۰:

جابر بن سمورا می‌گوید، «من مهر پیامبری را در پشت پیامبر الله دیدم. آن به اندازه تخم یک کبوتر بود.» این حدیث را سیماک نیز تأیید کرده است. صائب بن یزید اظهار داشته است، «خالوی من، مرانزد پیامبر الله برد و ... من پشت سر او ایستادم و مهر پیامبری را بین دو کتف او مشاهده کردم.»

عبدالله بن سرجیس نیز اظهار داشته است، «من روزی با محمد پیامبر الله بودم و ما با یکدیگر نان و گوشت خوردیم ... من سپس همراه او به خانه‌اش رفتم و مهر پیامبری را بین شانه‌های او در سمت چپ شانه‌اش مشاهده کردم که مانند یک خال سیاه بود.»

داستان پیامبری یک شتر ماده غول‌پیکر

الله، فرمان داد که یک شتر ماده از کوهستانی ظهور کند.



خشکسالی دهشتناکی بر مردم ثمود نازل شد.



ولی مردم شریر ثمود، زانوهای او را پی کردند و آن شتر را کشتند.



به فرمان الله، آن شتر ماده برای مردم شروع به وعظ کرد.



حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۴۶

زمانی که عبدالله بن سلام شنید که محمد به مدینه وارد شده است، نزد او آمد و گفت، «من از تو ۳ پرسش دارم که به غیر از یک پیامبر، هیچ فرد دیگری پاسخ این پرسش ها را نمی داند.

- (۱) نخستین نشانه فرا رسیدن روز قیامت چیست؟
- (۲) نخستین خوراکی که ساکنان بهشت خواهند خورد چیست؟
- (۳) چرا یک فرد شبیه پدر و دیگری شبیه مادرش می باشد؟

پیامبر الله، اظهار داشت، «جبریل فرشته هم اکنون، پاسخ پرسش های تو را به من وحی کرد.»
عبدالله بن سلام به محمد گفت، «جبریل فرشته از همه فرشته ها بیشتر دشمن یهودی هاست.»

جبریل فرشته، پاسخ پرسش های آن مرد را برای محمد از آسمان آورد.



اگر در هنگام هم خوابگی مرد زودتر به نقطه ارضای جنسی برسد، کودک شبیه به پدر و هر گاه زن زودتر به نقطه رضایت جنسی دست یابد، کودک شبیه مادر خواهد شد.

پیامبر الله گفت، «نخستین نشانه روز قیامت، آتشی ست که مردم را از شرق به غرب خواهد آورد، و نخستین خوراکی که یک فرد بهشتی خواهد خورد، جگر ماهی ست.

در باره شباهت کودک به پدر و یا مادر باید دانست که اگر در هنگام هم خوابگی مرد زودتر به نقطه ارضای جنسی برسد، کودک شبیه به پدر و هر گاه زن زودتر به نقطه رضایت جنسی دست یابد، کودک شبیه مادر خواهد شد.



مهر پیامبری

خبر، این مهر پیامبری ست و ثابت می کند که من محمد، پیامبر الله می باشم.

این خال سپاه چیست؟ اجازه می دهید آن را درآورم؟



فرمر می سد و روی زمین می افتاد.



A cartoon illustration of a man in a white robe and purple sash, with a large red nose and wide eyes, shouting with his arms raised. He is surrounded by a crowd of people in a desert setting with a city in the background.

وحی با یک ملافه می پوشانند.

در هنگام وحی در گوشهای محمد رنگ به صدا در می‌آمد، چهره‌اش قرمز می‌شد و نفسش به تنگی می‌افتاد. او در این زمان با روی زمین می‌افتاد و با دراز می‌کشید. در حالت وحی، بدن محمد به شدت می‌لرزید، چشمانش باز می‌ماند، لبانش به لرزه می‌افتاد، کف از گوشه‌های دهانش سرزیر می‌شد و بدنش به شدت عرق می‌کرد. او در زمان وحی چیزهایی را می‌شنید و می‌دید که هیچ فردی در جهان ندیده و نشنیده‌است. او برخی اوقات در زمان وحی مانند شتر خرناس می‌کشید و او را با یک ملاه می‌پوشانند. صحیح البخاری، جلد اول، شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴. جلد دوم، فصل ۱۱، صفحه ۲۵۴. جلد سوم، شماره‌های ۱۲ و ۸۱۹. جلد چهارم، شماره‌های ۱۵، ۱۹۸، ۵۹۱، ۴۷۱. جلد پنجم، شماره‌های ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹. جلد ششم، شماره‌های ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱ و ۵۸۱.

A cartoon illustration of a man with a large red nose and a striped shirt, sitting on the ground and gesturing with his hands. He is surrounded by several large, ornate pots and a striped tent in the background.

این چنین یهودی‌ها به شکل خوک و موش درآمدند.



حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۲۴، صفحه ۳۲۳:

پیامبر فرمود: «یکی از اقوام یهودی ناپدید شد. هیچکس نمی‌داند چرا آن قوم ناپدید شد و به سر افراد آن چه آمد. ولی بنا به باور من، آنها به فرمان الله تبدیل به موش شدند. دلیل این امر آنست که اگر شما شیر یک شتر ماده را نزد یک موش بگذارید آن را نخواهد آشامید، ولی هر گاه شیر گوسفند را جلوی موش بگذارید، آن را خواهد آشامید» (۱) اسرائیلی‌ها از خوردن گوشت شتر و آشامیدن شیر آن منع شده، ولی خوردن گوشت گوسفند و آشامیدن شیر آن برایشان مجاز بود.

پیامبر الله از اینکه موش‌ها بخوردن شیر گوسفند عادت داشتند به این حقیقت پی برد که برخی از اسرائیلی‌ها به موش تبدیل شده‌اند. (۲) ولی، مدتی بعد، به پیامبر وحی رسید که اسرائیلی‌ها به خوک و موش تبدیل شده‌اند و باور او درست از آب درآمد.

وحی به محمد

هر زمانی که به محمد وحی می‌شد، گوشه‌ای او زنگ می‌زدند.



محمد هرگز نمی‌دانست، چه زمانی به او وحی خواهد شد.



این چنین، الله مردم را به یوزینه تبدیل کرد.



مردم بوسیله ماهی ها اغوا شدند
و روز شنبه آنها را شکار کردند.



حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، فصل ۳۲، صفحه ۴۱۵:

الله می فرماید، ای پیامبر، از مردم در باره شهری که در کنار دریا واقع بود و آنها در ساحل دریا مقررات روز شنبه را نادیده گرفتند، پرسش کن. در حالیکه در روزهای غیر شنبه از ماهی ها در آن دریا نشانه ای بچشم نمی خورد، ولی روز شنبه ماهی ها نزد مردم آن شهر آمدند تا آنها را وسوسه کنند که شکارشان نمایند. الله نیز آنها را مجازات کرد و فرمود: «به شکل یوزینه درآید، ای بیچاره های بخت برگشته.»

یهودی های خوک و موش شده

یکی از اقوام یهودی، ناپدید شد.



آها تا کنون مشاهده کرده اید که موش ها
شیر گوسفند را می آشامند، ولی از آشامیدن
شیر شترهای ماده (ناقه) خودداری می کنند؟
این موضوع ثابت می کند که یهودی ها به موش
تبدیل شده اند.



یهودی هایی که به موش تبدیل شده اند.



زمانی دهکده‌ای در ساحل دریا وجود داشت.



ولی در سایر روزهای هفته، از ماهی‌ها در دریا خبری نبود.



در روزهای شنبه، ماهی‌ها سر از آب بیرون می‌آوردند تا مردم را وسوسه کنند که قانون شنبه را (که کار کردن در این روز منع شده بود)، بشکنند و آنها را بگیرند.



قرآن:

آیه ۶۵ سوره بقره:

و شما بخوبی آگاهی دارید آنهايي که از میان شما احترام روز شنبه را نگه نداشتند، به آنها گفتیم: «بوزینه شوید! بدبخت و بیچاره گردیده و از درگاه ما دور شوید.»

آیه‌های ۱۶۳ تا ۱۶۶ سوره اعراف:

ای پیامبر، از قوم بنی اسرائیل در باره شهری که در ساحل دریا بود، پرسش کن. از آنها بپرس که چرا در روز شنبه مرتکب گناه شدند. بدین شرح که آنها روز شنبه، هنگامی که در کنار ساحل بودند، ماهی‌ها نزد آنها آمدند و سرشان را از آب دریا در آوردند (تا آنها را وسوسه کنند که شکارشان نمایند)، در حالیکه ماهی‌ها در روزهای غیر شنبه دست به این کار نمی‌زدند. ما نیز آنها را برای انجام این کار اقوا کردیم، زیرا آنها گناه‌پیشه بودند. چون پند و موعظه آموزشگران در آنها اثری نکرد، برخی از افراد آن گروه گفتند: «چرا شما قومی را که از جانب الله محکوم به مجازات‌های سخت و ناپودی هستید، موعظه می‌کنید؟» آموزشگران پاسخ دادند: «برای اینکه وظیفه خود را در برابر الله آنها به فرجام برسانیم و شاید آنها خدا ترس شوند.» و چون آنها به پندهای آموزشگران گوش ندادند ما هم افرادی را که آموزشگر بودند نجات دادیم، ولی آنهايي را که ستمکار بودند، به بدترین عذاب‌ها مجازات کردیم. هنگامی که آنها با تکبر و گستاخی مرتکب اعمال نکوهیده شدند، به آنها گفتیم: «به شکل بوزینه در آید! ای بدبخت‌های از پخشایش دورمانده»